

ارزش پول و روش‌های چهارگانه تغییر آن

مهران دبیر سپهری

کارشناس ارشد مهندسی عمران، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

در اقتصاد، مفهومی مهم‌تر از ثبات ارزش پول وجود ندارد. اما تاکنون این مفهوم بنیادی به طور جامع تبیین نشده است. بسیاری از معضلات و بحران‌های اقتصادی، ریشه در بی‌ثباتی ارزش پول کشورها دارد. این مقاله نشان می‌دهد که تغییر ارزش پول به چهار روش امکان‌پذیر است. روش‌های فوق در قالب دو راه کار اصلی تغییر حجم پول و تغییر در مصرف ملی امکان وقوع دارد. این چهار روش عبارتند از: تورم؛ عکس تورم یا تورم منفی؛ بیماری هلندی؛ و عکس بیماری هلندی. موارد ۲ و ۴ برای اولین بار در این مقاله مورد مذاقه قرار گرفته و مصادیق آن معرفی شده است. مهم‌ترین یا شاید تنها وظیفه بانک‌های مرکزی حفظ ثبات ارزش پول است. در اجرای این وظیفه، تصحیح رفتار دولت‌ها الزامی است. زیرا مصرف افسارگسیخته بشر ریشه در رفتار دولت‌ها دارد؛ رفتاری که در نهایت به تخریب محیط زیست می‌انجامد. واژگان کلیدی: ارزش پول، مصرف ملی، تورم، عرضه پول.

۱. مقدمه

قبل از شیوع بیماری کرونا در آمریکا ترامپ خواستار کاهش ارزش پول از طریق افزایش عرضه آن بود.^۱ در آن موقع رئیس فدرال رزرو در برابر اجرای این درخواست مقاومت می‌کرد که حملات لفظی ترامپ را در پی داشت. البته بعد از همه‌گیری کرونا، سیاست پولی آمریکا مطابق خواست ترامپ گردید و عرضه پول افزایش یافت. اخیراً ترکیه با تورمی سرکش مواجه شده است و اردوغان رئیس‌جمهور این کشور در توجیه این اتفاق گفت کاهش ارزش پول ملی مانند چین، رونق اقتصادی و افزایش صادرات را در پی خواهد داشت. چند سال قبل ترکی از روزنامه‌ها در سرمقاله خود تحت عنوان «جنگ ارزی چیست» علت پایین بودن ارزش پول چین را به خرید دلار توسط بانک مرکزی چین و افزایش عرضه یوان نسبت داد.^۲

وقایع فوق و مجادلات کارشناسان در خصوص مزایای کاهش ارزش پول در یکی دو دهه اخیر نشان می‌دهد که مفاهیم ارزش به طور جامع تاکنون در جهان تبیین نشده است. همان‌طور که تا ۱۹۵۰ بیماری هلندی شناخته شده نبود. این مقاله، به تبیین موضوع ارزش پول و مفاهیم چهارگانه آن می‌پردازد.

۲. ادبیات موضوع

پیش از پیدایش پول عمل مبادله به صورت مبادله مستقیم کالا با کالا و خدمات، صورت می‌پذیرفت. در تبت بسته چای در ویرجینیا بسته تنباکو در ایران غلات در حبشه، بسته‌های فلفل و نمک در روسیه پوست سمور و در حوالی مدیترانه گوسفند به عنوان معیارهای سنجش و واحدهای ارزش به حساب می‌آمدند. اما به دلیل مشکلاتی نظیر پر حجم بودن و یا فاسد شدن به تدریج سکه‌های فلزی به عنوان معیار ارزش مورد استفاده قرار گرفت. بعد از رنسانس علمی در اروپا که منجر به افزایش تولیدات گردید کم‌کم نقل و انتقال سکه‌های فلزی نیز مشکل به نظر می‌رسید و زمینه برای ایجاد پول کاغذی یا اسکناس فراهم گردید. پالمستراخ بانکدار سوئدی اولین کسی بود که به طور غیررسمی نوعی پول کاغذی را ابداع کرد و بدون آنکه خود را موظف به ذخیره تمام

۱. اقتصاد نیوز ۱۳۹۵/۱۱/۲۸

۲. دنیای اقتصاد ۱۳۸۹/۷/۱۹

سکه‌های مشتریان در صندوق کند رسید سپرده‌های مسکوک را به اوراق واقعی اعتبار تبدیل و برای اولین بار نوعی اسکناس منتشر کرد و به جای قبوض سپرده به جریان انداخت. اما اولین بانک مدرنی که به طور رسمی به انتشار و رواج اسکناس اقدام نمود بانک انگلیس بود. این بانک معادل ارزش اسکناس‌هایی که چاپ می‌کرد موجودی طلا داشت. نکته‌ای که به آن کمتر توجه شده این است که اگر مردم به پول کاغذی اعتماد نمی‌کردند هرگز رواج پیدا نمی‌کرد. به عبارت دیگر ابداع‌کنندگان اسکناس بدون آنکه بخواهند، به گسترش اعتماد میان افراد جامعه کمک کردند. طبیعی است که اگر به این اعتماد مردم خدشه‌ای وارد شود نمی‌توان انتظار داشت، این بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی، حفظ شود.

۳. تجربیات گذشته

برای پول سه کارکرد مشخص وجود دارد: اول به عنوان معیار ارزش، دوم به عنوان وسیله مبادله و سوم به عنوان وسیله‌ای برای ذخیره ارزش. از زمانی که اسکناس جای خود را در اقتصاد باز کرد برای مدت زیادی منتشرکنندگان آن، معادل ارزش اسمی آن طلا نگهداری می‌کردند. اما امروزه حجم پول یک کشور بیشتر متناسب با میزان تولید آن کشور است نه الزاماً متناسب با ذخایر طلا یا ارز. کم‌توجهی به این موضوع طی یکصد سال اخیر بحران‌ها و مشکلات عدیده‌ای برای کشورها ایجاد کرده است. اما سؤال این است که ارزش پول چگونه تغییر می‌کند؟ اگر به متون علمی مراجعه کنید دو روش تغییر ارزش پول به صورت صریح یا مستتر معرفی شده است. روش صریح، تورم و روش غیرصریح بیماری هلندی است.

در دهه ۱۹۵۰ میلادی، هلند یک مخزن گاز در کشورش کشف نمود. استخراج و فروش گاز باعث شد این کشور درآمدی قابل توجه به دست آورد. سرازیر کردن این درآمد در بازار، عوارضی در پی داشت که بعدها نام آن را بیماری هلندی گذاشتند. درواقع کاهش قیمت ارز خارجی در هلند، عارضه اصلی بود که باعث ارزانی کالاهای وارداتی و افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای صادراتی به دلیل افزایش سطوح دستمزد شد. به همین دلیل هلند مزیت صادراتی بسیاری از کالاهای خود را از دست داد. به عبارت دیگر به جای آنکه گفته شود هلند با افزایش نسبی ارزش پول ملی مواجه شده است از واژه بیماری هلندی (Dutch disease) برای عوارض مزبور استفاده شد.

۴. روش‌های تغییر ارزش پول

تا اینجا با دو مفهوم «کاهش ارزش پول از طریق تورم» و «افزایش نسبی ارزش پول یا بیماری هلندی» آشنا هستیم. ولی تغییر ارزش پول به دو روش دیگر نیز امکان‌پذیر است. در روش سوم اگر در کشوری عکس بیماری هلندی اتفاق افتد مفهوم دیگری از کاهش ارزش پول، رخ می‌نماید. اما این نوع از کاهش ارزش، چگونه حادث می‌شود. شاید اگر کشور چین وجود نداشت، هیچ‌گاه مفهوم سوم شناخته نمی‌شد. مردم چین مردمی قانع، کم‌توقع و پرکار هستند. به همین دلیل می‌توانند درآمدهای خود را پس‌انداز کنند. نشانه این پس‌انداز هم ذخایر ارزی ۴ تریلیون دلاری این کشور است. کافی است چینی‌ها همین الان نیمی از ذخایر ارزی خود را مصرف کنند تا با افزایش نسبی ارزش یوان (به دلیل کاهش قیمت ارز خارجی) مزیت‌های صادراتی این کشور نابود شود.^۱ اخیراً آقای اردوغان به خیال خود می‌خواست با کاهش ارزش پول از طریق تورم (که ناشی از هزینه‌های بالای دولت است) از چین تقلید کند یا حداقل این‌گونه وانمود کرد. این اشتباه در سال‌های گذشته در میان برخی کارشناسان نیز دیده شده است. مثلاً در زمان ترامپ برخی از مشاوران او از افزایش عرضه پول حمایت می‌کردند تا مثلاً مانند چین رفتار کرده باشند. در صورتی که پایین بودن ارزش پول چین همان‌طور که در بالا اشاره شد به دلیل انتشار پول نیست بلکه به دلیل کم‌مصرف بودن این ملت است.

در خصوص ترکیه، بعد از همه‌گیری کرونا، درآمد ارزی ترکیه به دلیل رکود صنعت گردشگری اندکی کاهش یافت که در مرحله اول موجب افزایش قیمت ارز خارجی گردید. با توجه به حافظه تاریخی مردم در ترکیه، این موضوع باعث شد اعتماد به پول ملی دچار تزلزل گردد. در نتیجه تقاضا برای ارز خارجی و قیمت آن افزایش یافت. تشدید قیمت ارز در ترکیه منجر به تشدید تورم گردید. در این وضعیت تنها راه‌حل فوری برای مقابله با تورم، افزایش نرخ بهره بود که اردوغان زیر بار آن نرفت. البته راه‌حل بنیادی برای این وضعیت، کاهش هزینه‌های دولت است که به علت چسبندگی این نوع از هزینه‌ها، در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. ضمن آنکه کاهش هزینه‌های دولت در تضاد با بلندپروازی‌های اردوغان است. در هر صورت کاهش مصارف دولتی به

۱. البته فراگیر نبودن بیمه بازنشستگی در چین نیز در کم‌مصرفی مردم این کشور مؤثر بوده است

کاهش مصرف ملی کمک می‌کند. در نتیجه، به جای کاهش ارزش پول از نوع تورمی، کاهش نسبی ارزش پول (مانند چین) محقق می‌شود.

در اینجا باید به دو نکته مهم اشاره کرد. تعداد اندکی از کشورها وجود دارند که انتشار پول برای خرید ارز خارجی (دلار) در آن‌ها منجر به تورم نمی‌شود. بارزترین این کشورها ژاپن است. علت این پدیده را باید در مفهوم انتظارات عقلایی جستجو کرد. مردم در ژاپن به این اطمینان رسیده‌اند که دولت یا بانک مرکزی اجازه افزایش تورم را نمی‌دهد. به همین دلیل افزایش عرضه پول به افزایش تقاضا و تورم منجر نمی‌شود. اگرچه این پتانسیل از بین نخواهد رفت. نکته دوم در خصوص کاهش عرضه پول از طریق افزایش نرخ بهره است. تجربه دولت اول حسن روحانی حقیقت مهمی را در این خصوص آشکار نمود. افزایش نرخ بهره در سطوح بالا موجب افزایش رشد نقدینگی می‌شود (نه کاهش). منتهی چون این افزایش، ناشی از افزایش شبه پول است در کوتاه‌مدت اثر ضد تورمی دارد. یعنی فقط در نرخ‌های پایین بهره و تورم، می‌توان با افزایش نرخ بهره، عرضه پول را کاهش داد. تورم پایین، تورمی است که به اعتماد مردم در خصوص ارزش پول و سپرده‌گذاری در بانک لطمه نزنند. بنابراین ممکن است حتی تورم ۸ درصد نیز پایین تلقی شود به شرط آنکه دیدگاه عمومی آن را موقت و زودگذر بداند. به عبارت دیگر در تورم‌های بالا فقط از یک روش، جلوی افزایش عرضه پول گرفته می‌شود و آن کاهش هزینه‌های دولت در کنار انضباط پولی است.

حال در خصوص چهارمین مفهوم از مفاهیم «ارزش پول» باید به این سؤال پاسخ داد که آیا افزایش ارزش پول از طریق عکس تورم (inflation) امکان‌پذیر است؟ در پاسخ می‌گوییم آری. می‌توان با کاهش حجم پول، ارزش آن را افزایش داد. درواقع این همان اتفاقی بود که در اوایل قرن بیستم و بعد از پایان جنگ جهانی اول در آمریکا حادث شد و رکود بزرگ ۱۹۳۰ را ایجاد کرد (نمودار ذیل). میلتون فریدمن اولین کسی بود که کاهش حجم پول در دوران رکود بزرگ را کشف و افشا کرد. اما فریدمن از زاویه ارزش پول به این موضوع نگاه نکرد. با توضیحات فوق معلوم شد ارزش پول را می‌توان به چهار طریق و در قالب دو راه کار اصلی زیر تغییر داد:

الف- کاهش یا افزایش حجم پول که نسبت معکوس با ارزش پول دارد.

ب- کاهش یا افزایش مصرف ملی که نسبت مستقیم با ارزش نسبی پول دارد.

بر این اساس، روش‌های چهارگانه تغییر ارزش پول عبارتند از:

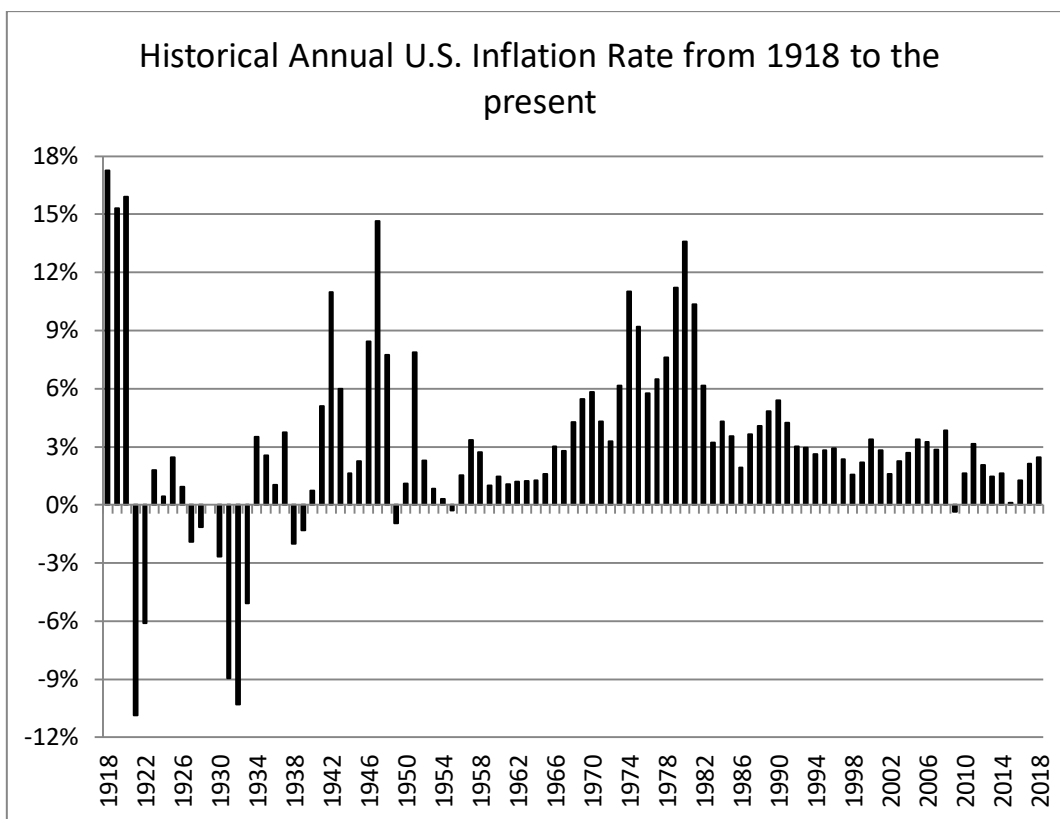
۱. **کاهش حجم پول:** این حالت باعث افزایش ارزش پول خواهد شد. مانند تورم منفی در آمریکا بعد از جنگ جهانی اول و رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰؛
 ۲. **افزایش حجم پول:** در این روش به دلیل تورم قیمت‌ها، ارزش پول کاهش می‌یابد. تورم، اغلب به علت افزایش مصارف دولتی به وقوع می‌پیوندد؛
 ۳. **کاهش مصرف ملی:** این روش به کاهش نسبی ارزش پول منجر می‌شود (کم‌مصرفی مردم چین)؛
 ۴. **افزایش مصرف ملی:** این حالت به افزایش نسبی ارزش پول یا بیماری هلندی منجر خواهد شد. مهم‌ترین دلیل پرمصرفی ملی، وفور ارز خارجی در کشورهاست (اغلب کشورهای نفتی).
- مفاهیم چهارگانه فوق در جدول ذیل دیده می‌شود:

جدول ۱. روش‌های تغییر ارزش پول

حجم پول		مصرف ملی	
کاهش	افزایش	کاهش	افزایش
افزایش ارزش پول	کاهش ارزش پول	کاهش نسبی ارزش پول	افزایش نسبی ارزش پول
رکود بزرگ ۱۹۳۰	تورم	چین	بیماری هلندی

نمودار زیر که مربوط به نرخ تورم آمریکا در یکصد سال اخیر است به‌خوبی تغییرات ارزش پول ناشی از تغییرات حجم آن را نشان می‌دهد. کاهش ارزش پول در اثر تورم در مقاطعی به‌ویژه در دهه ۱۹۷۰ دیده می‌شود. افزایش ارزش پول ناشی از تورم منفی نیز در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول که منجر به بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ شد، در نمودار مشهود است. از آنجا که اقتصاد آمریکا متکی بر مصرف مردم این کشور است لذا کاهش ارزش پول از نوع چینی در آمریکا امری محال خواهد بود.

مصرف ملی در آمریکا به قدری مهم است که مالیات بر مصرف (مالیات بر ارزش افزوده) در این کشور به جز برای معدودی از کالاها وجود ندارد. به همین دلیل مرزنشینان کانادا معمولاً تمایل دارند برخی مایحتاج خود را از شهرهای مرزی آمریکا تهیه کنند.



نمودار ۱. روند نرخ تورم در ایالات متحده

۵. اهمیت ثبات ارزش پول

در اقتصاد کشورها مفهومی مهم‌تر از ثبات ارزش پول وجود ندارد. افزایش ارزش پول چه ناشی از کاهش حجم آن باشد و چه ناشی از بیماری هلندی، همان‌طور که شرح آن رفت خسارت‌بار است. کاهش ارزش پول نیز اگر در اثر افزایش حجم آن یا تورم باشد (که عمدتاً ناشی از کسری بودجه دولت‌هاست) مضراتی به شرح ذیل دارد:

- تضعیف کارکرد معیار سنجش: همان‌گونه که مهندسان با اتکا به معیارهای دقیق و ثابت اندازه‌گیری (Benchmarks) قادر به تولید ساختمان‌های بزرگ و دستگاه‌های فنی پیشرفته هستند، در ایجاد یک اقتصاد پیشرفته نیز وجود چنین معیاری ضروری است. پول در اقتصاد به عنوان نقطه ثابت و معیار اندازه‌گیری شناخته‌شده و ثبات ارزش آن اولین و مهم‌ترین لازمه ایجاد و گسترش اعتماد در جامعه و داشتن یک اقتصاد سالم است. یک فعال اقتصادی با

پیش‌بینی دقیق انتظارات عقلایی خود حاضر به فعالیت خواهد شد و چنین پیش‌بینی‌هایی نیز با ثبات ارزش پول امکان‌پذیر است. یکی از مواردی که موجب اشتباه می‌شود واژه‌های نرخ بهره اسمی و حقیقی است. معانی فوق شاید برای سود سپرده‌ها به طور جامع قابل استفاده باشد اما برای نرخ بهره تسهیلات بانکی که به تولید، اختصاص می‌یابد این‌طور نیست. زیرا اثر تورم روی کالاها و خدمات، یک اثر همگن و یکسان نیست. به همین دلیل تولیدکننده نمی‌تواند انتظارات تورمی را در مورد تولید خود به طور کامل پیش‌بینی کند و در نهایت باعث بی‌ثباتی و ایجاد ناامنی در میان تولیدکنندگان می‌گردد.

- تضعیف کارکرد ذخیره ارزش: تورم باعث تضعیف کارکرد ذخیره ارزش می‌شود. لذا در این شرایط کالاهای دیگری این وظیفه پول را به عهده خواهند گرفت. در این صورت کالاهای جایگزین مشکلات دیگری را سبب می‌شوند. مثلاً اگر وظیفه ذخیره ارزش را بخش مسکن متقبل شود، در این صورت موجب افزایش تقاضای کاذب و ایجاد حباب قیمتی شده و دسترسی مردم به این کالا را دشوارتر می‌کند.

- تضعیف تعادل‌های اقتصادی: ابداع پول به توزیع مجدد درآمد کمک نمود. اما توزیع فوق‌الزاماً عادلانه نبوده است. حکمرانان معمولاً از سر دلسوزی و به وسیله تورم، تعادل‌های جامعه را به هم می‌زنند. نمونه بارز این موضوع، برهم خوردن تعادل نرخ‌های دستمزد در ایران است. در اثر این ناهنجاری، کارکنان دولت بیشتر از کارکنان سایر بخش‌های اقتصادی، از منافع رشد اقتصادی (رشد بعد از ۱۳۶۸) بهره‌مند شده‌اند. سال گذشته مطلب ذیل درباره دستمزدهای دولتی چین در رسانه‌ها منتشر شد: «... در درون این بوروکراسی چینی، حقوق رسمی برای مقام‌ها و کارکنان دولتی به میزان بسیار پایینی بسته شد. برای مثال، حقوق رئیس‌جمهور «هو جین تائو» در سال ۲۰۱۲ برابر با فقط هزار دلار در ماه بود، یک کارمند کشوری هم ۱۵۰ دلار در ماه می‌گیرد.^۱ خبر فوق نشان می‌دهد جاذبه استخدام در بخش دولتی چین بالا نیست. که اگر اینچنین بود چین هم مانند ایران یک بخش دولتی بزرگ و لاش و با اقتصادی ضعیف داشت. مشکلی که در ایران ایجاد شده این است که جاذبه استخدام در بخش دولتی

۱. دنیای اقتصاد ۹۸/۱۱/۱۴

- عموماً بیشتر از بخش خصوصی شده است. در صورتی که قبل از جنگ این مشکل کمتر وجود داشت. (رجوع کنید به دستمزد مهندس عمران در آمار و گزارش‌های مرکز آمار)
- کاهش تمایل مردم به پس‌انداز: همان‌طور که گفته شد در اثر تورم پس‌اندازهای مردم مورد دست‌اندازی قرار می‌گیرد و طبیعی است که به همین دلیل، رغبت به پس‌انداز کردن کاهش یابد. این موضوع یکی از موانع کاهش مصرف ملی است که خود به استمرار شرایط تورمی کمک می‌کند.
 - کاهش سرمایه‌گذاری: طبیعی است با کاهش سطح پس‌انداز ملی، سطح کل سرمایه‌گذاری نیز کاهش خواهد یافت.
 - تخریب محیط زیست: به دلیل افزایش مصرف به‌ویژه در بخش دولتی، منابع محیط زیستی تحت فشار مخرب و برگشت‌ناپذیر قرار می‌گیرد.
 - بزرگ شدن دولت: افزایش هزینه‌های دولت علاوه بر تورم، باعث افزایش حجم دولت نیز خواهد شد.
 - گسترش فساد: کارکرد دیگر تورم، گسترش فساد در جامعه به دلیل ایجاد نابرابری‌ها است. چارلز جونز در کتاب خود می‌نویسد: کشورهای پیشرفته درست به دلیل اینکه ارتشاء در آن‌ها به حداقل رسیده است، یک محیط تجاری پویا را که سرشار از شوق سرمایه‌گذاری و کارآفرینی است فراهم می‌کنند. در جای دیگر همان کتاب می‌گوید: فساد، رشوه‌خواری، دزدی و سلب مالکیت می‌توانند از عوامل مهم کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش سطح درآمدها در یک اقتصاد باشد. به عبارت دیگر وضعیت تورمی از طریق گسترش فساد، روند تشکیل سرمایه غیردولتی را کند می‌کند.
 - تضعیف سیستم مالیاتی: از خسارت‌های دیگر وضعیت تورمی، تضعیف سیستم مالیاتی کشور است. شرایط تورمی باعث رشد افسارگسیخته فعالیت‌های دلالی و سفته‌بازی (به دلیل فرار نقدینگی از فعالیت‌های تولیدی) می‌شود و این گونه فعالیت‌ها نیز قادرند قسمت اعظم مالیات خود را نپردازند. بنابراین مالیات‌ها فقط روی تولیدکنندگان، متمرکز خواهد شد.

۶. نتیجه‌گیری

بر مبنای آنچه گفته شد افزایش مصرف، (چه مصرف ملی و چه مصرف دولتی) زیان‌بار بوده و عوارضی همچون تورم، بیماری هلندی و تخریب محیط زیست را در پی خواهد داشت. از بین گزینه‌های چهارگانه مؤثر بر ارزش پول، تنها گزینه شماره ۴ که منجر به کاهش نسبی ارزش پول می‌شود برای توسعه اقتصادی، مثبت و مفید است. به عبارت دیگر کشورها نباید به دنبال افزایش مصرف ملی خود باشند. این موضوع از نظر حفظ محیط زیست نیز حائز اهمیت است. مهم‌ترین مانع برای کاهش مصرف ملی، تمایل دولت‌ها به افزایش مصرف است که عوارض متعددی دارد. به عنوان نتیجه نهایی، بانک‌های مرکزی حق ندارند با ارزش پول بازی کرده و آن را تغییر دهند (چه کم و چه زیاد) بلکه تنها وظیفه آن‌ها حفظ ثبات ارزش پول است. در اجرای این وظیفه، تصحیح رفتار دولت‌ها الزامی است.

منابع

- غنی نژاد، موسی (۱۳۷۶)، *مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد*، تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- فریدمن، میل‌تون (۱۳۶۸)، *آزادی انتخاب*، ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی، تهران: نشر پارسی.
- باتلر، ایمون (۱۳۷۷)، *اندیشه‌های اقتصادی میل‌تون فریدمن*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۶۸)، *نظریه‌های پولی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فقر در ایران (۱۳۷۶)، مجموعه مقالات، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۵)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، نشر نی، چاپ دوم.
- جلالی نایینی، سید احمد رضا (۱۳۸۲)، *رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری در ایران*، همایش سیاست‌ها و برنامه‌های رشد و توسعه در ایران.
- جونز، چارلز، *مقدمه‌ای بر رشد اقتصادی*، ترجمه حمید سهرابی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- سعیدی‌پور، رضوان (۱۳۸۳)، *مبارزه با تورم، نگاهی به تجربه ترکیه*، *مجله تحولات اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی*، شماره ۱.

